**بسمي النّاطق من الأفق الأعلى**

يا رسول قوم منتظر يوم الهى بوده بشانيكه در ليالى و ايّام بكمال تضرّع و ابتهال از حضرت سلطان بيزوال لقاى آنرا طالب، و چون آفتاب ظهور از افق اراده اشراق نمود كل محجوب و متحيّر و غافل، إِلاَّ مَنْ شاءَ اللهُ، در فرقهٴ ناجيه، يعنى شيعه كه خود را بهترين احزاب عالم ميشمردند تفكّر نما، معدودى ناس بيچاره را باوهاماتى مبتلا نمودند كه بالاخره سيد عالمرا بايادى بغضا شهيد كردند، حالهم نفوسيكه ابدًا از اصل اين امر اطّلاع ندارند بهمان اوهام برخواسته ‌اند، مقصودشان آنكه يك ناحيه بمثل قبل قرار دهند، و يك جابلقاى موهوم و جابلساى غير معلومى معيّن نمايند، اين مظلوم لله گفته و لله ميگويد، بايد جميع عباد، يعنى نفوسيكه از كاس ايقان آشاميده ‌اند، بحراست و حفظ بيت امر قيام نمايند و حق را بچشم خود ملاحظه كنند و ندايش را بگوش خود بشنوند، مَنْ أَرادَ أَنْ يَعْرِفَهُ بِغَيْرِهِ لايَعْرِفُهُ أَبَدًا، و اين مخصوص است باين ظهور امنع اقدس، أَلْبَهاءُ عَلى أَهْلِ الْبَهاءِ الَّذِينَ نَبَذُوا الْهَوَى وَتَشَبَّثُوا بِذَيْلِ اللهِ الْعَلِيْمِ الْحَكيْمِ.